

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

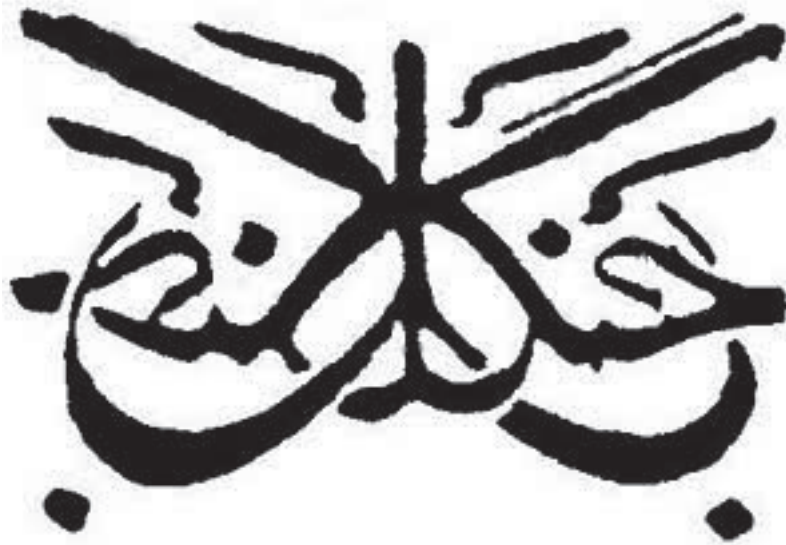
«وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلٍ مَعَهُ رَيْثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَبُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا صَعَفُوا وَ مَا اشْتَكَاؤُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»
و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید، سستی نوزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست دارد.

[آل عمران/ ۱۴۶]

ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم و به این جمعیت مقدس منتسبیم؛ ولی باید دانست که طرفدار اسلامیم به معنای ساده‌ی آن (انما المومنون اخوه). یعنی می‌گوییم در این موقع که تشتت کلمه و اختلاف اسلامیان، مسلمانان را به دست دشمن عمومی، ذلیل و زبون کرده، نباید مسلمانان برادر کشی کنند و به نام شیعه و سنی و سایر عناوین مذهبی به جان هم افتاده و مجال استفاده را به دشمن عمومی بدهند.

روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۸، ص ۲





وجوه اسلامیت نهضت میرزا کوچک جنگلی

حجت الاسلام دکتر مهدی امیدوی

عیوب و نواقص جوامع اسلامی با استفاده از معارف اسلام بود. جریان احیاء در دو شکل بنیادگرایی (یا سلفی‌گری وهابی) و جنبش اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی ظهور و بروز یافت. جریان سلفی به رهبری محمدبن عبدالوهاب تا رشید رضا با تکیه بر ظواهر کتاب و سنت با هرگونه گرایش‌های عقلی، فلسفی، کلامی و نو مخالف بودند. در حالی که جریان اصلاحی به رهبری سیدجمال، به احیای اسلام راستین و فعال‌سازی انرژی نهفته در جهان اسلام علیه سلطه استعماری غرب می‌اندیشید.

اصول مشترک جریان اصلاحی در جهان اسلام عبارت بود از:

۱. احیای اسلام ناب محمدی و اتکاء به کتاب و سنت برای بازسازی و نوسازی جوامع اسلامی.
۲. دعوت به وحدت، اتحاد و همبستگی میان امت اسلام برای برون رفت از موانع پیش رو.
۳. ایجاد هماهنگی میان آموزه‌های اسلامی با مقتضیات زمان و مکان با به کارگیری روش اجتهاد.
۴. مبارزه با استبداد و خفقان حاکم بر جوامع اسلامی که از سوی حکومت‌های مستبد اعمال می‌شد.
۵. مبارزه با استعمار غرب و جلوگیری از سلطه همه جانبه آن بر کشورهای اسلامی.

انحطاط و عقب ماندگی داخلی و هجوم گسترده و همه جانبه استعمار غربی به جهان اسلام در قرون اخیر دو مسأله محوری و عمده با ابعاد و آثار و عوارض فکری، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، اجتماعی بود که مسلمانان بلاد و اقشار گوناگون جوامع مسلمان اعم از سیاستمداران، روشنفکران، علما و متفکران را به واکنش واداشت.^۱ این واکنش را می‌توان در دو جریان کلی مورد بررسی قرار داد. اول: جریان پیروی از تمدن غربی (از غربگرایانی چون سید احمدخان تا غربزده‌هایی چون ملکم خان) که تفکرات آنها ریشه در اندیشه‌های سیاسی و غیر دینی اروپا داشت و هدفشان استحاله فرهنگی و تمدنی جوامع مسلمان از طریق غربی‌سازی آن بود. و دوم: جریان احیاء و بازسازی تفکر دینی، (از بنیادگرایی تا اصلاح دینی) که تفکراتشان برگرفته از آموزه‌های دینی بود و هدفشان ترمیم

۱. دکتری علوم سیاسی، دانشیار و عضو هیأت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه قم.

۲. عبدالهادی حائری، ۱۳۶۷، بخش ۱، ص ۱۲۳، ۱۲۶.

با ظلم و اجرای عدالت^۳ فرامی‌خواند. در روایات نیز عمل استبدادی، امری مهلک برای فرد و جامعه تلقی شده است. «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ»^۴ و نیز بر ضرورت آزاده بودن و ترک بندگی غیر خدا تأکید شده است. «لَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ فَتَقْدَرُ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»^۵

میرزا کوچک خان دارای روحیه جهادی، انقلابی و مردمی بود، اخلاص او، زهد و تقوای او، صبر و شجاعت او، عدم وابستگی او به قدرت‌های بیگانه و احساس مسئولیت او در برابر توده‌های مردم، ناشی از تربیت اسلامی او بود. میرزا قبل و بعد از تشکیل حکومت همواره بر احترام به شعائر الهی و رعایت حدود شرعی در گفتار و رفتار مواظبت داشت.

میرزا کوچک خان دارای روحیه جهادی، انقلابی و مردمی بود، اخلاص او، زهد و تقوای او، صبر و شجاعت او، عدم وابستگی او به قدرت‌های بیگانه و احساس مسئولیت او در برابر توده‌های مردم، ناشی از تربیت اسلامی او بود.

میرزا قبل و بعد از تشکیل حکومت همواره بر احترام به شعائر الهی^۶ و رعایت حدود شرعی در گفتار و رفتار مواظبت داشت. توسعه اصول عدالت و برادری در ایران و جهان اسلام جزء اهداف نهضتش بود.^۷ او مقید بود به فرائض دینی و اخلاق اسلامی عمل کند. در لحظات شهادت نیز با خود مهر نماز و کتاب قرآنی به همراه داشت.

میرزا کوچک خان در تمام اطلاعیه‌های خود ذکر «هو الحق» را تکرار می‌کرد. او همواره بر خداوند توکل داشت و از او طلب یاری می‌کرد. در آخرین مکتوب به یادگار مانده از میرزا آمده است: «اتکای بنده و همراهان به خدای دادگری است که در

۶. حفظ استقلال کشورهای اسلامی، دفاع از تمامیت ارضی و جلوگیری از تجزیه طلبی.

۷. و نهایتاً خدمت‌رسانی به امت اسلامی بر اساس الگوی تعاون بر خیر و تقوی.

قیام میرزا کوچک جنگلی از جمله قیام‌های اصلاحی و مرتبط با احیاگرایی اسلامی است که همه اهداف فوق را با خود به همراه داشت. تمامی این اهداف، متخذ از آموزه‌های اسلامی است و هیچگونه تعارضی با آن ندارد.

افزون بر این اهداف، نهضت میرزا کوچک خان از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردار بود که می‌توان از آن به وجوه اسلامیت قیام میرزا یاد کرد.

در مرحله نخست حرکت و قیام میرزا دارای خاستگاه دینی، اعتقادی، اسلامی و ایرانی است. سبقه طلبگی میرزا در مدارس علمیه رشت و تهران و شاگردی وی نزد اساتید برجسته حوزوی آن زمان مانند آیت الله ضیابری که خود شاگرد آیت الله شیخ محمد کاظم خراسانی بوده است از خاستگاه حوزوی قیام میرزا حکایت دارد. شخصیت علمی و روحانی میرزا کوچک در حدی بود که توانست چندین نفر از روحانیون برجسته و مجتهد را در هیأت اتحاد اسلام با خود همراه سازد.

خصلت ضد استعماری، ضد استبدادی، عدالت طلب، آزادی خواه و استقلال طلب میرزا نیز ریشه در تفکر مذهبی او داشت. قرآن کریم نیز بر اساس قاعده نفی سبیل،^۱ مومنین را از سلطه و سیطره کفار بر آنها برحذر می‌دارد و اسلام واقعی را سدی در برابر دشمن معرفی می‌کند. همچنین بر پایه قاعده تدارک عده و عده در برابر دشمن،^۲ که با محاسبه عقلانی، حفظ آمادگی در برابر دشمن و با هدف مصونیت‌سازی جامعه همراه است، بر استقلال همه جانبه جهان اسلام تا مرحله بازدارندگی کامل تأکید دارد. اسلام همچنین به مبارزه

۱. اشاره به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۲. اشاره به آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» سوره انفال، آیه ۶۰.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» سوره مائده، آیه ۸.

۴. حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۰.

۵. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۶. در چهارمین اصل از اصول اعلامیه نظام جمهوری، گنجانده شده که حفظ شعائر اسلامی از فرایض دولت جدید است. (فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۹ و ۲۵۰).

۷. مصطفی شجاعیان، ۱۳۴۹، ص ۱۸۳.

بسیاری از این اتفاقات ما را در پرتو توجهات خود محافظت کرده است. به جز خداوند به هیچکس مستظهر نبوده و امید دارم که توجهات کامله‌اش شامل حال و یار و معین ما باشد.»

میرزا با اعتقاد راسخ به اصول عقاید دینی به مخالفت با برنامه‌های کمونیستی انقلاب بلشویک روسیه پرداخته است

ولی باید دانست که طرفدار اتحاد اسلامیم، به معنای ساده آن: «انما المؤمنون اخوه» یعنی می‌گوییم در این موقع که تشنگی و اختلاف اسلامیان، مسلمانان را به دست دشمن عمومی زبون کرده، نباید برادرکشی کرد و به نام عناوین مذهبی، به جان هم افتاده و مجال استفاده به دشمن عمومی بدهند.»

هیأت اتحاد اسلام با طرد نظام‌های ناصالح و خائن و وابسته به شرق و غرب، تنها به برپایی حکومت قانونمند صالحان که مطلوب اسلام است می‌اندیشید. البته این حکومت را در درون سرزمین ایران جستجو می‌کرد و در پی اتحاد آن با جهان اسلام بود.

«مرام هیأت اتحاد اسلام، حفظ استقلال اسلام و ایران و استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی و پاک کردن مملکت از لوث وجود خائنین است. ابداً منسوب به هیچ حزب و فرقه مخصوص نخواهد بود. افراد صالح ایرانی را از هر حزبی باشد، مقدس دانسته، او را با آغوش باز پذیرفته، به اتفاق او مشغول کار می‌شود. بدکار را از هر فرقه باشد، بد دانسته و رد می‌نماید.»^۳

تأثیرپذیری میرزا از سید جمال الدین اسدآبادی و تأسیس هیأت اتحاد اسلام هم گواه دیگری بر اسلام خواهی و وطن دوستی اوست. اساساً هدف این هیأت چیزی جز خدمت به اسلام و ایران نبود. آنها یگانه راه نجات ایران از چنگ بیگانگان را در اتحاد اسلام می‌دیدند.^۴

آیت الله شهید مدرس، مقابله و ضدیت با میرزا و نهضت او را نوعی معاندت و دشمنی با اسلام و همراهی و مساعدت با کفر معرفی کرده است. وی می‌نویسد: «حقیر از آقا میرزا کوچک خان جنگلی و اشخاصی که صمیمانه و صادقانه با ایشان بودند، نیت سویی نسبت به دیانت و صلاح مملکت نفهمیدم؛ بلکه جلوگیری از دخالت خارجیان و نفوذ سیاست آنها در گیلان عملیاتی بوده است... و پر واضح است که طرفیت و ضدیت و محاربه با همچون جمعیتی، مساعدت با کفر و معاندت با اسلام است.»

مرام هیأت اتحاد اسلام، حفظ استقلال اسلام و ایران و استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی و پاک کردن مملکت از لوث وجود خائنین است. ابداً منسوب به هیچ حزب و فرقه مخصوص نخواهد بود. افراد صالح ایرانی را از هر حزبی باشد، مقدس دانسته، او را با آغوش باز پذیرفته، به اتفاق او مشغول کار می‌شود. بدکار را از هر فرقه باشد، بد دانسته و رد می‌نماید.

و آن را نسخه‌ای مغایر با باورهای مردم ایران دانسته است. او می‌نویسد: «در موقع خود، به نمایندگان روسیه اظهار کردم که ملت ایران حاضر نیست پروگرام (برنامه) بلشویک‌ها را قبول کند.» وی همچنین به نماینده شوروی یادآوری کرده بود که: «عقاید شما و عملیات شما از هر زهرکشنده، کشنده تر است.»^۱

میرزا بر اساس آنکه دین اسلام نافی هرگونه همراهی با دشمنان دین و امت است، کمک سفیر انگلیس برای به قدرت رساندن میرزا به عنوان پادشاه ایران را رد کرده و در پاسخ وی فرموده است: «حکومتی که شالوده‌اش را شما بریزید، پایدار نمی‌ماند.»

یکی از مهم‌ترین اهداف مجاهدان جنگل، رفع اختلاف میان آحاد امت اسلام و ایجاد برادری و همدلی میان آنها بر اساس آیه «انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین احویکم»^۲ بود. روزنامه جنگل درباره این هدف نهضت می‌نویسد:

«ما به نام اتحاد اسلام قیام کرده‌ایم و به این جمعیت منتسبیم،

۱. مصطفی شاعیان، ۱۳۴۹، ص ۳۴۶.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۳. گنجینه اسناد، فصلنامه تحقیقات تاریخی، ش ۲۲ به نقل از روزنامه جنگل، ش ۲۷.

۴. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۴.

اصلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلات دولتی که هر چه بر سر ایران آمده از فساد تشکیلات است. ما طرفدار یگانگی عموم مسلمانانیم. اینست نظریات ما که تمام ایرانیان را دعوت به هم صدایی کرده و خواستار مساعدتیم.»

■

حفظ وحدت و یکپارچگی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران جزء اهداف میرزا بود؛ بنابراین اتهام تجزیه‌طلبی به میرزا، اتهام نابجایی است. او خود می‌نویسد: «من و یارانم در مشقت‌های فوق‌العاده چندین ساله هیچ مقصودی نداشته و نداریم جز حفظ ایران از تعرضات خارجی و فشار خائنین داخلی؛ و گیلان پاره جدانشدنی و قلب پرتپش ایران است.»

■

او بر پایه «و إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» با انقلابیون انقلاب کمونیستی شوروی که با شعار برابری و حمایت از طبقات محروم و ستم‌دیده، مخالفت خود را با همه قراردادهای استعماری روسیه تزاری اعلام نموده بودند، رابطه برقرار کرد تا بدین طریق با در امان قرار دادن مرزهای شمالی، به مبارزه با اشغالگران انگلیسی بپردازد. اما این ارتباط چند ماهی بیش دوام نیافت^۱ و او به دلیل نقض شروط عهدنامه از سوی کمونیست‌ها به ویژه نقض اصل عدم اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و الغاء مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات ضد اسلامی، به مبارزه با ایدئولوژی ضد اسلامی آنان پرداخت.

میرزا شیفته مرام ابا عبدالله الحسین (ع) بود و پیش از درگیری با قوای روس، خطاب به دلیر مردان جنگل، یاران خود را با یاران امام حسین (ع) و سرنوشت خویش را همسان با سرنوشت او می‌دانست.^۲

میرزا حق‌مداری و پیروی از حقیقت را رمز پیروزی و پشتیبانی حق تعالی از نهضت جنگل می‌دانست و می‌فرمود: «من همیشه گفته و باز هم می‌گویم: مادامی که از حق و حقیقت

امام خمینی رحمته‌الله در دوره جوانی از اراک برای نهضت میرزا، کمک مالی ارسال کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، امام خمینی رحمته‌الله از میرزا کوچک به نیکی یاد کرد و قیام وی را در زمره قیام علمای اسلام در یک صد سال اخیر برشمرد.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای میرزا کوچک را شهید قیام برای اسلام، قرآن و اقامه دین معرفی می‌کند و می‌فرماید: «نماد شجاعت و مجاهدت مردم گیلان، به حق، شهید بزرگوار میرزا کوچک جنگلی است که برای اسلام، قرآن، اقامه دین و در مقابله با بیگانگان و متجاوزان، در دوران غربت قیام کرد و یاد او هرگز فراموش نخواهد شد.»

میرزا کوچک خان پیشگام طرح نه شرقی و نه غربی است. او نه سلطه روس‌ها را پذیرفت و نه سلطه انگلیسی‌ها را؛ به همین دلیل هر دو قدرت با او مخالف بودند و به مقابله با وی پرداختند. اساساً هسته مرکزی نهضت جنگل و هیأت اتحاد اسلام هیچگاه به کمونیسم روی خوش نشان نداد، بلکه همچون سدی محکم در برابر بلشویک‌ها ظاهر شد و در دفاع از عقیده، عزت، شرف و استقلال و دین و آئین، از ایثار مال و جان دریغ نکرد.

حفظ وحدت و یکپارچگی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران جزء اهداف میرزا بود؛ بنابراین اتهام تجزیه‌طلبی به میرزا، اتهام نابجایی است. او خود می‌نویسد: «من و یارانم در مشقت‌های فوق‌العاده چندین ساله هیچ مقصودی نداشته و نداریم جز حفظ ایران از تعرضات خارجی و فشار خائنین داخلی؛ و گیلان پاره جدانشدنی و قلب پرتپش ایران است.»

میرزا کوچک جنگلی شخصیتی در تراز ایران متمدن اسلامی است. او با رجال سیاسی وطن دوست هم‌دل و همراه بود. از درگیر شدن با قوای مسلح دولتی ایران پرهیز داشت، اما با دولت‌های متجاوز روس و انگلیس در نبرد مدام بود. او حامی وحدت مسلمانان در جهان اسلام بود. از این رو می‌نویسد: «ما قبل از هر چیز طرفدار مملکت ایرانیم، استقلالی به تمام معنی کلمه. یعنی بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی،

۱. بلشویک‌ها سیاست خارجی خود را پشتیبانی از همه نهضت‌های ضد استعماری همه پابرهنگان و واپس‌نگه‌داستان در سراسر جهان اعلام داشتند. (فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹)

۲. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۸، ۲۴۶.

۳. گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۰ و ۳۱.

منحرف نشویم و از اتحاد و اتفاق روی برنگردانیم و تغییر عقیده ندهیم، خداوند نیز کمک خود را از ما دریغ نخواهد کرد.»^۱

آنچه که نمی‌توان به میرزا کوچک نسبت داد:

میرزا کوچک، تجزیه طلب نبود، شخصیت ضد ملی نبود. مبارزه با استبداد و استعمار، همگامی با رجال سیاسی خوشنام مشروطه خواه و ایران دوست و همدلی با انقلابیونی هم چون شیخ محمد خیابانی در تبریز، کلنل پسیان در خراسان و شهید مدرس در تهران نمادهایی از جهت گیری اسلامی نهضت میرزا است. رهبر نهضت جنگل برای پرهیز از برادرکشی، همواره از درگیری با قوای مسلح دولتی علیه نهضت، دوری می‌جست و هیچ‌گاه آغازگر نبردهای خونین نبود؛ این در حالی است که علیه اشغالگران روس و انگلیس همواره آماده نبرد بود. میرزا مدافع تمامیت ارضی و استقلال کامل ایران، اصلاح تشکیلات دولتی و اتحاد میان مسلمین بود.

میرزا مدافع کمونیسم نبود؛ او پیش از آنکه یک فرد انقلابی در قالب‌های امروزی باشد، مسلمانی است که مقررات مکتبی‌اش را تحت الشعاع افکار انقلابی خود قرار نمی‌دهد. همگان پس از یک قرن متفق‌القول هستند که میرزا کوچک و هسته مرکزی نهضت جنگل، هم چون سدی در مقابل بلشویک‌ها و کمونیست‌ها ایستادند تا جلوی پیشروی افکار الحادی‌شان را بگیرند. میرزا درباره اهداف شوم کمونیست‌ها می‌فرماید:

«کمونیست‌ها، هم دخالت در امور داخلی ما کردند [هم] قتل و غارت و تعدی نمودند. آنها مثل انگلیسی‌ها و دولت ایران و مستبدین، ضرر خواهند داشت؛ بلکه چون اینها به اسم دوستی آمدند، ضررشان مؤثر خواهد بود. بر فرض که عده‌ای ایرانی باشند، با بی‌اطلاعی از اوضاع وطن، با این اخلاق و عادات افراطی، با این مسلک و عقیده حاضر، در مقابل کورورها ایرانی نمی‌توانند حاکم مایرید باشند. در این صورت تکلیف شماها چیست؟ بیدار باشید، فریب نخورید و در تحت لوای کلمه اتحاد و اتفاق، همه چیز خودتان را از خودسری و افراط این آقایان حفظ کنید. هر که مداخله در امور داخلی شما کرد، او را دشمن بدانید. هر که صمیمانه با شما مساعدت کرد، آنها

را دوست فرض کنید. آنها که تخم نفاق کاشتند، از جامعه ملت، اخراج کنید.»^۲

نهضت میرزا به هیچ وجه، جنبش کور و بی‌هدف نبود و او مزدور و اجبر شوری نبود؛ در طول هفت سال حرکت انقلابی نهضت جنگل علیه روس‌ها و انگلیسی‌ها و بلشویک‌ها و دولت مرکزی، می‌بینیم که انسان‌هایی همچون میرزا پیدا می‌شوند که برای پاسداری از عزت و شرف و استقلال و دین و آیین حاضرند به شهادت برسند و زیر بار دولت‌های خارجی و عوامل مزدور داخلی نروند. میرزا اتهاماتی اینچنین را با اندوه تمام نقد می‌کند و می‌نویسد:

«کسی که دین و وطن و ملیت خود را حفظ ننماید، بلاشبهه بی‌دین و بی‌وجدان است... ما فقط برای حفظ دیانت و شرافت خود قیام کرده‌ایم. ما برای استقلال وطن فدا می‌شویم. برای آزادی و حریت ایرانی قربانی می‌دهیم. زهی حق‌سوزی که چنین نسبت بی‌شرمانه‌ای را دشمن به ما می‌دهد. پول گرفتن از غیر و فنا شدن، طریقه اشخاص دنی و فرومایه است. آن هم مخصوص بعضی از درباریان امروزی ایران است. ساحت تمام فدائیان گیلان، مقدس‌تر از آن است که به چنین ذالت‌هایی تن در دهند.»^۳

منابع:

قرآن کریم

جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، قیام جنگل، یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی، با مقدمه اسماعیل راین، جاویدان.

سیدرضی، محمد بن حسین موسوی، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، مصحح: عزیر الله عطاردی، مؤسسه نهج البلاغه، قم، اول.

عاملی، حرّ، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، اول.

عبدالهادی حائری، ۱۳۶۷، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، امیرکبیر، تهران.

فخرائی، ابراهیم، ۱۳۶۸، سردار جنگل، جاویدان، دوازدهم.

گیلک، محمدعلی، ۱۳۷۱، تاریخ انقلاب جنگل به روایت شاهدان عینی، گیلکان، اول.

مصطفی شعیان، ۱۳۴۹، نگاهی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگل، ارژنگ، تهران، اول.

فصلنامه تحقیقات تاریخی، گنجینه اسناد، ش ۲۱، دوره ۶، ۱۳۸۷.

۱. گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۵.

۲. گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰.

۳. جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، ص ۷۷-۷۸.